تقویم ادب و هنر به روایت یک قرن انتشار روزنامه اطلاعات -۶۵

انتشار گلستان سعدی تصحیح ذکاءالملک از سوی انتشارات امیرکبیر

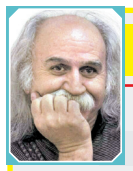

● حسن فرازمند

۲مرداد۱۳۲۹

درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد: «گلستـان سعـدی(چـاپ امیرکبیـر) ازروی نسخه تصحیح شده مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، بهترین و زیباترین چاپ گلستان سعدی باخط خوش نستعلیق چاپ گراوری به قطع کوچک ۱۲ در ۱۸ دارای فهرست لغات و ترجمه اشعار عربی و متن صحیح تمام گلستان با جلد زرکوب عالی و زیبا به بهای ۲۵ ریال منتشرکرد. مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران خیابان ناصرخسرو».

بد نیست دراین فرصت، شرحی هم ازاحوال مرحوم «ذکاءالملک» را برایتان بیاوریم. محمدعلی فروغی دردشتی، ملقّب به ذُکاءُالمُلک، نویسنده و سیاستمدار ایرانی بود که در دوره پهلوی، سه بار به‌عنوان نخست‌وزیر خدمت کرد. در دوره قاجار، او چند بار وزیر، دو بار نماینده مجلس شورای ملی و یک بار رئیس دیوان عالی تمیز(دیوان کشور) شد. فروغی از فعالان و مبارزان مهم انقلاب مشروطه در ایران بود. او در دوران پس از جنگ جهانی اول، عضو هیأت اعزامی ایران به کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) و جامعه ملل بود.

اعلام برگزاری کنسرت استاد حسین یاحقی

۲مرداد۱۳۲۹

درچنین روزی در اعلانی کوتاه در جریدهٔ اطلاعات، به اطلاع عموم رسید که به زودی کنسرتی از طرف استاد هنرمند آقـای حـسین یاحقـی (ویولونیست مشهور) با شرکت جمعی از اساتید موسیقی برگزار خواهد شد که زمان آن بعداً به اطلاع عموم خواهد رسید.

نام وی یادآور نام خواهرزاده اش پرویز یاحقی در عرصه نوازندگی ویولن است که بی مناسبت نیست به این بهانه، نگاهی مختصر هم به زندگی استاد حسین یاحقّی (دایی پرویز یاحقی) داشته باشیم. او در سال ۱۲۸۵ در تهران زاده شد و از کودکی آوایی خوش داشت. پیش از رسیدن به سن بلوغ، آهنگ‌های شبیه خوانی را نزد «میرزاحسین تعزیه‌گردان» فرا گرفت و چون با موسیقی آشنا شده بود، نقش خود را بسیار خوب ایفا می‌کرد. پس از چندی نزد «اسماعیل‌زاده» که استاد کمانچه خواهرش (کشور خانم) معروف به «فرخ‌لقا» نیز بود، به فراگیری موسیقی پرداخت. پس از چندی «ایرج میرزا» به منزل اسماعیل‌زاده آمد و استاد، شاگرد کوچکش را به وی معرفی کرد. ایرج میرزا که مردی با ذوق بود استعداد او را دریافت و او را تشویق کرد. حسین یاحقی ۱۶ سال بیش نداشت که نوای کمانچه اش شنیدنی بود و کلاس مشق کمانچه برپا می‌کرد. حسین یاحقی بیش از ۵۰۰ آهنگ و پیش‌درآمد و ترانه ساخت که از بهترین آثار هنر موسیقی کلاسیک ایران به شمار می‌رود. «برق غم»، «جوانی»، «بی‌خبر» و «گل مستان» برخی از ساخته‌های او است. استادحسین یاحقی در ششم آبان ۱۳۴۷ درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

همکاری ۳ نویسنده و شاعر و طنزپرداز برای نشریه فکاهی «متلک»

۲مرداد۱۳۲۹

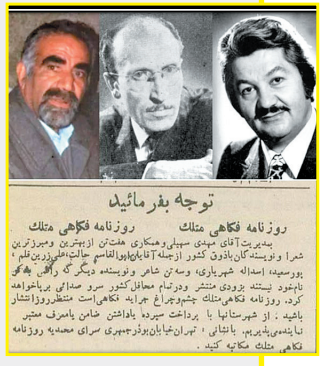

در چنین روزی، طبق اعلانی که توسط مرحوم مهدی سهیلی درجریده اطلاعات به چاپ رسید، گویا قرار بود که به مدیریت وی نشریه‌ای به نام «متلک»منتشرشود که ظاهراً برای این نشریه ازابوالقاسم حالت و اسدالله شهریاری، دوتن ازخبرگان طنز آن روزگار وعلی زرین قلم، پورسعید و شماری دیگراز طنزپردازان آن روزگارهم دعوت شده بود. آن طورکه دراین اطلاعیه ذکرشده، قراربوده که این نشریه درخیابان بوذرجمهری(بازار)- سرای محمدیه دفتری داشته باشد.

درباره مرحوم مهدی سهیلی قبلاً درهمین پاورقی نکاتی توضیح داده شد. درباره مرحوم ابوالقاسم حالت هم درنظردارم درمناسبتی دیگر بنویسم. واما درباره مرحوم اسدالله شهریاری که خیلی درباره اش کم لطفی شده است، باید بگویم که نام «اسدالله شهریاری» به دلیل نمایشنامه های طنزآمیزی که برای برنامه های صبح جمعه و دیگربرنامه های تفریحی رادیو می نوشت، بر سرزبان‌ها و محافل طنزو ادبی افتاد و البته سلسله برنامه پرشنونده «جانی دالر» و نمایشنامه معروف«کنت مونت کریستو»نیز از آثاربه یادماندنی رادیویی اوست.

اسدالله شهریاری، شاعری غزل‌سرا، معلمی پرجذبه و مترجمی باذوق بود،اما شهرتش بیشتر به‌خاطر فکاهی‌سرایی و لطیفه‌سازی اوست. از پانزده‌سالگی با مطبوعات و جراید همکاری داشت وبیشتر آثارش را با امضاهای مستعاری همچون: «شبکور»، «شایان»، «ش- ترسو»، «مشارالیه»، «حسنعلی جعفر»، «فسقلی»، «موشکاف»، «جلت»، «خنده رو»، «شهریار اسداللهی»، «ایشان»، «یره (خراسانی)»، «شوان (کرمانشاهی)»، «یارو»، «آقا معلم»، «معلم‌الاطفال»، «اسد»، «سرخلوتیان»، «قناس‌الشعرا» و غیره انتشار می‌داد.

(درتصویرپیوست، از راست به چپ: مهدی سهیلی، ابوالقاسم حالت، اسدالله شهریاری)

نمایش مجانی فیلم سینمایی «جن وساعت جادو» دربوت کلاب

۲مرداد۱۳۳۰

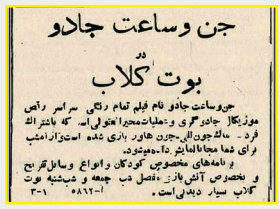

درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد:«جن و ساعت جادو، نام فیلم تمام رنگی سراسررقص موزیکال جادوگری و عملیات محیرالعقولی است که به اشتراک فردماک جون للی و جون هاور بازی شده است و ازامشب به بعدبرای شما مجاناً نمایش دادمی شود. برنامه مخصوص کودکان و انواع وسایل تفریح و به خصوص آتش بازی مفصل شب جمعه و شب شنبه بوت کلاب بسیاردیدنی است.» این را هم توضیح بدهم که هرچه درباره این فیلم و بازیگرانش تحقیق کردم، چیزی به دست نیاوردم!

انتشارمجدد روزنامه آتش توسط دشمن سرسخت مصدق

۲مرداد۱۳۳

درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد:«روزنامه یومیه آتش با جالب ترین مقالات سیاسی به قلم مبرزترین نویسندگان و بسیاری از مطالب دیگر که درسایرجراید نخواهید خواند، به زودی منتشر می شود.»

اما درباره «مهدی میر اشرافی»صاحب امتیاز ومدیرمسئول و سردبیر این نشریه بگویم که اودر اواخر دوره رضاشاه، افسر ارتش، طی حمله متفقین (شهریور ۱۳۲۰)و مسئول قسمتی از انبارهای لجستیکی ارتش ایران بود. بعدها به وکالت مجلس نیز رسید وصاحب امتیاز روزنامه سیاسی - خبری آتش با گرایشات راست افراطی بود که اولین شماره آن ۲۹ فروردین ۱۳۲۵ ابتدا به صورت هفتگی وسپس روزانه از مهر ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۱ به سردبیری انوشیروان معالی وعده‌ای از روزنامه نگاران و هفته‌نامه هنری- اجتماعی آتش را در ۱۳۳۷ به سردبیری سیامک پورزند واحمد سروش، منتشر کرد که مدیریت آن با سیدمصطفی شمس قنات آبادی بود.

روزنامه آتش، یک بار دراردیبهشت و باردیگردرتیر ۱۳۲۵توقیف و روزنامه فلک جایگزین آن چاپ شد. در مهر ۱۳۲۵ پس از اجازه چاپ دوباره، به صورت نشریه روزانه درآمد. در آذر ۱۳۲۵ به دلیل حمله به سیاست شوروی توقیف و به جای آن روزنامه بازپرس منتشر شد. در کودتای ۲۸ مرداد، او جزو کودتاچیان بود وباعده‌ای ازاراذل واوباش، فرستنده رادیوی تهران را تصرف کرد. هم او بود که برای اولین بار از رادیو، سقوط دولت محمدمصدق را اعلام کرد و به مردم گفت که محمدمصدق فرار کرده است! او با دولت زاهدی همکاری داشت وبعد ازانقلاب در دادگاه انقلاب محاکمه واعدام شد.

تبدیل هفته نامه «آریان»به روزنامهٔ سومیه

۲مرداد۱۳۲۸

درچنین روزی جریده اطلاعات دریک اعلان درصفحه دوم خود نوشت:«بشارت بزرگ روزنامه سیاسی آریان، ازمهم ترین جراید ایران، از روزعید سعید فطر،همه روزه مرتباً منتشرمی شود. جای اداره، سه راه ژاله- مرکز اخبارپشت شهرداری تلفن ۸۵۴۷- تلگرافی: آریان.

سرویس خبرگزاری این روزنامه درتمام شبانه روز (۲۴ساعته) مفتوح می‌باشد. دو پاورقی ازعالی ترین داستان های جهان برای سرگرمی خانواده ها ازشماره اول به طبع می رسد. هرایرانی باید دورهٔ روزنامهٔ مهم را ازشماره اول آن جمع آوری و نگهداری می شود. درپایان این مطلب خاطرنشان شده که بهای تک شمارهٔ این روزنامه یک ریال است»، گویا مدیرمسئول و صاحب امتیاز آن ذبیح الله قدیمی بود.

۳۰۱

نوشته‌های پراکنده

محمدصالح علا

ما آدم های سطحی نازنین!

سلام به اشخاص سطحی عزیز!

باید زودتر از این عرض ارادت می‌کردم؛ زیرا تعداد ما اشخاص سطحی بسیار است. ما سطحی‌ها همه مانند همیم. اهل اندیشه، تفکر، اهل فهم نیستیم. که جهان ما عینی است. از هر حرفی که به ما می‌گویند، همان را می‌فهمیم که گفته می‌شود. که برای ما هر کلمه تنها یک معنی دارد.

همیشه هرچه را که می‌گویند، باور می‌کنیم. می‌گویند زیر دریا شهری است با مردمی چارگوش و راه‌راه، باور می‌کنیم. ما می‌دانیم تمبر آدمی، فهم اوست. خوشبختی بیرون از فهم ما نیست. عطار گرامی در سده ششم مهشیدی گفته که هرچه در فهم تو آید، آن بود مفهوم تو...

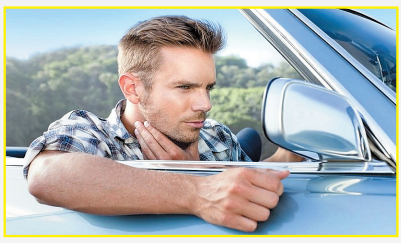

ما کاری نداریم که دست به کوه می‌زنیم، سفت است. می‌گوییم کوه‌ها از سنگ درست شده‌اند. عقل در ما هیچ کاره است، تعطیل است. حتی نمی‌دانیم نفهمی چه نتیجهٔ زیانباری برای خود ما دارد. شما بهتر می‌دانید، ما اشخاص سطحی با فرهنگ بیگانه‌ایم. جهان ما ساده، پیش پا افتاده و بی‌معناست. با آینده کاری نداریم. برخلاف عاقل‌ها که می‌دانند از کجا تا انتهای هستی دست دراز کنند.

ما همیشه در پی اکنونیم. عقل ما سطحی‌ها چشم ماست. اهل بیا و ببینیم. اهل ببین و بیا نیستیم. به سرعت، سمت خود را جابه‌جا می‌کنیم. فرض کنید شخصی می‌خواهد به مقامی، به موقعیتی برسد. او که سطحی‌ها را می‌شناسد، خوشایند ما مطالبی می‌گوید با وعده‌هایی فریبنده و به آسانی از ما رأی می‌گیرد.

ما نادانسته گرفتاری‌های خودمان و دنیا را بیشتر و پیچیده‌تر می‌کنیم؛ که ما سطحی‌ها به عمق مطالب کاری نداریم. خواسته‌هامان همه در سطح است. شاید به همین خاطر است که به ما سطحی می‌گویند. زیرا همیشه در پی رسیدن به شادی‌ها و غم‌های سطحی هستیم.

خواسته‌های ما همه در سطح است. سلیقهٔ ما مثل نقاشی‌های پیش از کشف پرسپکتیو است. به عمق و تناسب اشیاء و آدمیان کاری نداریم. برای ما زیبایی الگوسازی شده است. زیرا کسی است که شبیه مانکن‌ها باشد. زیبایی سطحی، روبه زوال، در تغییر. که زیبایی عمیق و زیبایی دائمی، مانند زیبایی درخت است، زیبایی ستاره‌ها، پرنده‌ها، زیبایی ماه.

ماه همیشه زیباست. برای همه زیباست. کسی را نمی‌شناسم بگوید گل زیبا نیست یا من از ماه بیزارم. زیبایی عمیق،زیبایی طبیعی، زیبایی شکوفه‌های گیلاس است. که اگر الگوی من ماه باشد، محبوبم را همیشه دوست می‌دارم. که ماه را نمی‌توان طلاق داد و با ماه دیگری عروسی کرد.

انسان اهل تفکر، اندیشه‌ورز، همهٔ عمر را با ماه خود به سر می‌برد. دوست داشتن ماه، تاریخ مصرف ندارد. آن هم مشحون شادی. که زیبایی مصنوعی، زیبایی مدل شده، زمان محدود و رو به زوال دارد که الگوها در تغییرند. با تغییر الگوها، سلیقهٔ آدمیزاد سطحی هم تغییر می‌کند. اساساً ما سطحی‌های نازنینیم که دنیا را به این روز انداخته‌ایم!